

دولت‌های ضعیف و کارکرد سرمایه داری کازینویی

[سرمایه داری مبتنی بر سفته بازی]

پروفسور کین هاید موشاکوجی

ترجمه: دکتر یداله دادگر

اشاره مقدماتی دبیر مجموعه

یکی از لوازم جدی سرمایه داری کازینویی، فقدان دولت و یا حضور دولت در اقتصاد می‌باشد. کارکرد چنین سازمان دهی اقتصادی، معیارها و مکانیسم‌های پیشبرد اهداف آن، اندیشه حاکم بر این تفکر و وظیفه اندیشمندان و متفکران و نهادها و سازمان‌های مردمی (رسمی و غیررسمی) در برخورد با این پدیده و موفقیت یا عدم موفقیت آن، قلمرو و گستره مربوطه از بحث‌های بسیار اساسی در این رابطه است. پرفسور موشاکوجی از صاحب نظران برجسته سیاسی و اقتصادی ژاپن می‌باشد که تحلیل جامعی از این پدیده را ارائه کرده‌اند. وی معتقد است که بایستی، یک چارچوب اخلاقی مشترک علیه سیطره وسیع «سرمایه داری کازینویی» راه اندازی شود. امنیت انسانی از نو تعریف شود، توسعه انسانی و حقوق بشر با نگاه جدیدی بررسی گردد. مقاله مورد نظر با جمله‌ای از صاحب نظر برجسته پرفسور «سوزان استرینج» آغاز می‌گردد که می‌گوید: «حرص و ترس دو خصلت انسانی‌اند که به طور واضح در رفتار نظام مالی بین‌المللی امروزی خود را نشان داده‌اند، نتیجه [نوعی حاکمیت] پول می‌باشد».

در تپای قرن ۲۱ که پدیده جهانی شدن اقتصاد با شدت هر چه بیشتر جلو می‌رود و با توجه به تجربه کشورهای چون چین و ژاپن و هند در برخورد با عناصر و اهرم‌های جهانی سازی اقتصاد، توجه به دیدگاهی مانند آنچه پرفسور موشاکوجی مطرح می‌کند بسیار کارساز و مفید

است. وی با تحلیلی عمیق به چالش‌ها، خطرات و آثار مشکل‌آفرین سیطره سرمایه داری کازینویی می‌پردازد. او به طور مستقیم به نقش دولت نمی‌پردازد و بیشتر سازمان‌های مردمی، نهادها، تشکلهای و حتی بنیان‌های مذهبی و اخلاقی را به یاری می‌طلبد تا همه اندیشمندان و سازمان‌هایی که به طور حقیقی برای انسانیت دل می‌سوزانند به فکر فرو رفته و یک طرح جامع برای حرکت و مبارزه با پدیده سرمایه داری کازینویی ارائه نمایند. پر واضح است که دولت‌های رفاه، دولت‌های مردمی و کارآمد در این فرایند می‌توانند نقش کارسازی داشته باشند و برعکس دولت‌های ضعیف خودباخته و ناکارآمد می‌توانند مشکل‌آفرین بوده برای ملت‌های خود ذلت و سرافکنندگی فراهم آورند. این مقاله در واقع ضرورت نوعی دولت مردمی و قوی برای مقاله با سرمایه داری افراطی را طرح می‌کند و این پیام تلویحی پروفیسور موشاکرجی است. با توجه به اینکه قرائت حاد جهانی شدن اقتصادی مبتنی بر تئوری نئولیبرالیسم می‌باشد و در آن تئوری جایی برای دولت در اقتصاد وجود ندارد، دقت در نگرش مقاله حاضر، اهمیت زیادی دارد.

حال مستقیماً به دیدگاه‌های نامبرده می‌پردازیم. کلیه باورهای او توسط مترجم تدوین شده است.

آغاز

سرمایه داری کازینویی، غیر عقلانی و غیر منطقی است. زیرا به واسطه ترس و طمع گروه کمی هدایت می‌شود و به فقیر سازی و ایجاد فضای ناامنی برای گروه زیادی می‌انجامد. بنابراین [این سیستم] امری ضد اجتماعی و غیر اخلاقی است. این سیستم به گروه‌های کوچک مالی که درگیر «رقابت میلیونی» جهانی هستند سود می‌رساند و دولت‌های ضعیف را تهدید می‌کند. این دولت‌ها تمایل دارند به صورت دولت رفاه عمل کنند، اما سرمایه داری کازینویی به گونه‌ای با آنها رفتار می‌کند که آن‌ها علی‌رغم میلشان مجبور شوند نقش دولت‌های «خوش آمدگو» را برای ورود سرمایه‌های خارجی بازی کنند. البته تنها آن گونه سرمایه‌گذاری‌هایی مورد استقبال قرار می‌گیرد که مورد حمایت و در راستای خواست سازمان‌های مالی مربوطه باشد.

به علاوه سرمایه داری کازینویی افکار همه افرادی را که تحت قوانین و مقررات متغیر و بی‌ثبات آن قرار دارند، تحت تأثیر قرار می‌دهد. مردم [تحت تأثیر آن] نسبت به از دست دادن امنیت انسانی در هر طبقه و گروه اجتماعی، بی تفاوت می‌شوند. در مجموع در قالب سرمایه

داری کازینویی عدالت اجتماعی به طور اساسی نادیده گرفته می‌شود. زیرا اصولاً در قالب تفکر «نتولیبرال» هر نوع منافع، زمانی توجیه می‌شود که برای قمار بازان سودآور باشد. سرمایه‌داری کازینویی، اقتصاد تولیدگرا را به نوعی نظام کالایی سفته‌بازانه تبدیل می‌کند که کالاهای مورد معامله صرف پرداخت‌های مالی، سودهای تضمین شده و درآمدهای قمار می‌باشد. سرمایه‌گذاری مورد نظر نظام کازینویی در جایی صورت نمی‌گیرد که زمینه ساز تشویق تولید باشد بلکه در جایی است که نفع مالی به حداکثر میزان خود نایل گردد. کارگران و مصرف‌کننده‌هایی که در فرایند تولید و یا مصرف درگیر هستند، در نتیجه تغییرات پی در پی فرایند مالی در معرض مداوم از دست دادن مشاغل و قدرت خرید کافی برای تأمین حداقل معیشت هستند، تغییر فرایندهای مالی به طور لحظه به لحظه، الگوی توزیع مجدد دارایی‌ها را در اقتصاد جهانی به هم می‌ریزد.^(۱)

تکنوکرات‌های بانک‌ها، دولت‌ها و نهادهای بین‌المللی از درک و کنترل سرمایه‌داری کازینویی سرکش [و یاغی] عاجزند، زیرا آنها نمی‌توانند اثرات غیر عقلاتی ترس و طمع را بر نوسانات سرمایه‌داری کازینویی درک کنند. این مسأله از جهاتی منشأ بروز مشکلات جدیدی خواهد بود. [زیرا] از طرفی دست قماربازان را باز می‌گذارد و از سوی دیگر شهروندان را (که برای حفظ بقای خود ابزار محدودی در اختیار دارند) بدون هیچ نوع مکانیسم حمایت‌کننده‌ای رها می‌کند، و اغلب آنها را مجبور می‌سازد که یا به بخش‌های غیر رسمی، نظیر سازمان‌های جنایی بپیوندند و یا دست به شورش بزنند.^(۲)

بنابراین سرمایه‌داری کازینویی اساساً غیر اخلاقی است، این امر هم از لحاظ اجتماعی چنین است و هم از نظر روان‌شناختی. از نظر اجتماعی به خاطر همان مواردی که ذکر شد؛

۱. از آقای پرفسور نقی‌زاده استاد ایرانی مغیم زاہن جهت فراهم کردن استفاده از دیدگاه‌های پرفسور موشاکوچی صمیمانه تشکر می‌شود.

۲. ملاحظه می‌شود که تصور پرفسور موشاکوچی از سرمایه‌داری کازینویی یک پدیده مافیایی است که در قالب آن حصول به منافع مالی بیشتر ممکن است منجر به هزاران فساد و تباهی گردد. این تصور از یک استاد و کارشناس برجسته خارجی، آن هم به صورت نقادی از کشورهای غرب و از سرمایه‌داری غرب قابل تأمل جدی است.

توزیع نامتناسب و عدم امنیت همراه آن، در واقع آثار توسعه اقتصادی تئولیبیرال روی توسعه و تکامل انسانی و امنیت انسانی است، از لحاظ روان شناختی نیز فرهنگ سفته بازی کازینوها توسط رسانه‌های جهانی مورد تبلیغ و اشاعه واقع می‌شوند و یک فرهنگ ترس و طمع را خلق [و حاکم] می‌نمایند.

این فرهنگ جهانی کازینویی به یک معنا، تهدید کننده فرهنگ عقلانی و منطقی مربوط به تکنوکرات‌هایی است که تلاش می‌کنند از تحت سیطره تحلیل‌ها و تعلیم‌های برنامه ریزی شده تکنوکراسی جهانی بگریزند.^۳ این فضای فرهنگی خاص به گونه‌ای طراحی شده که شهروندان احساس می‌کنند یک نیاز روان شناختی دارند، و آن به این صورت است که زمینه‌ای خالی به دست آورند تا آزادانه به بیان ترس و طمع خود در یک دنیای کازینویی اقدام نمایند. حاکمیت فرهنگ کازینویی این زمینه را فراهم می‌کند که همگی دنبال آن باشند که ثروت را نه از راه انجام کار سخت، بلکه از راه قمار به دست آورند.

این گونه عکس العمل‌های غیر عقلانی نسبت به جداسازی تکنوکراسی، اغلب به صورت یک پدیده ضد اجتماعی بروز می‌کند؛ [این وضعیت] برای فرار از عقلانیت تکنوکراتیک، به سادگی با اموری از قبیل نژادپرستی و سایر اشکال تبعیض‌گرایی پیوند می‌خورد. این گونه فرارها بعضی اوقات منجر به شکل‌گیری جرائم سازمان یافته معاملاتی می‌شوند. در این صورت فرهنگ کازینویی یک مکمل غیر رسمی برای فرهنگ تکنوکراتیک رسمی [و عقلانی] محسوب می‌گردد. فرهنگ یاد شده مبتنی بر دو عنصر غیر منطقی و در نتیجه غیر مشروع [و غیر قانونی]، یعنی ترس و طمع می‌باشد که به طور دائم در نزاع و مخالفت یا فرهنگ رسمی [عقلانی] تکنوکراتیک می‌باشد.

ترس و طمع فعالیت‌های سفته‌بازانه، کارگزاران «محصور در جوه» را تحریک می‌کند، و در سرتاسر کازینو پخش می‌شود. علاوه بر این، ترس و طمع در سراسر طبقات اجتماعی که تحت تأثیر رسانه‌های جهانی هستند، رواج می‌یابد. در این صورت ترس و طمع هم عامل سرمایه‌

۳. پرفسور موشاکوچی، در واقع از دو نوع تکنوکراسی سخن می‌راند، یکی تکنوکراسی عقلانی است که کار به دستان و منحصصاتی هستند که در قالب دنیای متعارف و با انتظارات متعادل حرکت می‌کنند و دیگر تکنوکراسی تحت هدایت و حمایت سرمایه‌داری کازینویی است که طمطراق حرص و ترس بر آن حاکم است.

داری کازینویی هستند و هم نتیجه و معلول آن محسوب می‌شوند که [به طور مرتب] به تولید و باز تولید فرهنگ کازینویی مبادرت می‌ورزند. سرمایه داری کازینویی شکل مضحکی از دموکراسی را به وجود می‌آورد. خواست‌های مردم [در ظاهر] به طور کامل در تصمیمات اقتصادی و خط مشی‌های سیاسی - اجتماعی مرتبط با آن منعکس می‌گردد. اما تمایلات مردم آن گونه که کانون‌های کازینویی می‌خواهند مورد توجه است و مرتبط با دغدغه‌های واقعی مردم نمی‌باشد. دموکراسی کازینویی به طور کامل تمایلات مردم را در قالب [بازار بورس] و استریت و دیگر کانون‌های مشابه منعکس می‌نماید. غرق شدگان در «پول و سفته» و همکارانشان نه تنها قوانین خاصی از قمار را بر بازارها حاکم می‌نمایند، بلکه حتی دولت‌ها را نیز مجبور می‌سازند تا مقیاس‌ها و میزان‌های ارزیابی و اندازه‌گیری (و قضاوت) را نه در راستای تمایلات واقعی شهروندانشان، که در راستای تمایلات «خواسته‌های بازی گران سفته» شکل دهند. امیال بازی گران نیز همواره بی‌ثبات و ناپایمان بوده و به طور مدام این تأثیر و تغییر بر زندگی شهروندان حکمفرماست. دولت‌ها بایستی با مطالعه وضعیت پادشاه کازینو (سامان دهنده اصلی فرهنگ سرمایه داری کازینویی) تلاش کنند از تأثیر گذاری خواسته‌های آن بر تصمیم‌های خود مانع شوند.^(۴)

سرمایه داری کازینویی در قالب چارچوب‌های رقابتی گسترده خود، جرائم بین‌المللی و بین‌کشوری وسیعی را به همراه می‌آورد. فرهنگ تکنوکراتیک رسمی، سرمایه داری کازینویی را به عنوان یک فعالیت قانونی و عقلانی در امور اقتصادی مطرح و مورد توجه قرار می‌دهد، و در نتیجه به طور کامل ریشه‌های عمیق ترس و طمع آمیز آن را نادیده می‌گیرد؛ همان ریشه‌های ترس و طمعی که تحت پوشش قوانین ضد جرم، رهبران امور سیاسی و بازرگانی را به صورت عمل کنندگان پنهان جرائم بین‌المللی در می‌آورد.

در نتیجه تمامی ملاک‌ها و مقیاس‌هایی را که برای مبارزه با جرائم در نظر می‌گیرند، صرفاً جنبه جناحی [و جانب دارانه و یا ایدئولوژیک]، داشته فاقد آثار واقعی می‌باشد. آنها در ظاهر

۴. طبق دریافت پرفسور موشاکوچی، سلطنت کازینویی در سراسر جهان در حال شکل‌گیری است و در بسیاری از جاها شاهان کازینو، حکومت می‌کنند و بر صحنه‌ها و عرصه‌های مختلف زندگی شهروندان کشورها تأثیر گذارند. وی به دولت‌ها توصیه می‌کند که از این امر مانع شوند.

سیاست‌های قوی و مؤثری را برای مبارزه با جرائم سازمان یافته بین‌المللی اتخاذ می‌کنند که رقیب قوی برای دولت‌های خوش آمدگو [دولت‌های رفاہ] محسوب می‌شوند. آنها [در ظاهر و به طور رسمی] ملاک‌ها و معیارهای ضد جرایم را به کار می‌برند، اما در قالب خدمات دو جانبه‌ای (شامل ارتشاء و انتقالات مالی صرف) به طور غیر رسمی از همان جرایم استقبال می‌کنند. (۵)

[البته] برخورد آنها با بخش‌های جرم آلود اقتصاد کازینویی اصولاً بر مبنای قصد مبارزه با جرم [و اساساً با مفهوم و دغدغه مربوط به جرم] استوار نمی‌باشد، بلکه آن تنها به عنوان یک حرکت عقلانی و منطقی تلقی می‌شود که برای افزایش قدرت رقابتی خودشان، مورد توجه می‌باشد. برای آن است که نمایندگی‌های جنایی در سطح بین‌المللی را کنترل کند، تا آنها به صورت رقبای خیلی قدرتمند در نیایند. اما در عین حال قرار دادن آنها به عنوان مشارکت‌کننده در رقابت، اصلاً خط‌مشی مخالف سازی محسوب نمی‌گردد. [فعال بودن] صنعت جهانی جنسی (ضمن این که ظاهراً به طور قانونی مورد برخورد واقع می‌شود ولی، در عین حال برقرار است)، یک نمونه از این برخورد متناقض است (که در ظاهر با یک جرم مخالفت می‌شود ولی عملاً و یا ضمناً مجاز شمرده می‌شود).

سرمایه داری کازینویی، سیستم امنیتی ارتشی / پلیسی را اغلب تحت نام «امنیت انسانی» به عنوان یک عنصر مکمل خود در آورده است. سرمایه داری کازینویی نیاز دارد که مخاطره [و ریسک] سرمایه گذاری را به حداقل و امنیت فعالیت‌های مالی بین‌المللی را به حداکثر مقدار خود برساند. بازار مالی، عاشق دموکراسی و حقوق بشر است. این امر نه به خاطر ترجیح اخلاقی آن، بلکه به خاطر تعارض فراوان و تداخل‌های گوناگونی است که تحت عنوان دموکراسی و حقوق بشر مطرح می‌شود؛ و در حال حاضر تحت عنوان امنیت انسانی است که توسط رسانه‌های جهانی برای تشدید نوسانات در انتخاب‌ها و گزینه‌های مختلف جهانی بوجود آمده‌اند. اینها عذرهای بسیار موجهی برای فعالیت‌های سفته بازی در بازارهای مالی جهانی محسوب می‌شوند.

۵ ملاحظه می‌شود که مؤلف محترم وجود و گسترش مفاسد اقتصادی و دیگر جرایم را مرتبط با ذات سرمایه داری سفته بازانه تلقی می‌نماید.

دموکراسی، حقوق بشر، توسعه انسانی، امنیت انسانی و سایر ارزش‌هایی از این قبیل، که توسط جامعه مدنی بین‌المللی مورد حمایت واقع می‌شود، به این شیوه انتخاب شده‌اند؛ یعنی این مفاهیم به صورتی بازاری و به شکل عناصری درآمده‌اند که می‌توانند مورد معامله [و قمار] قرار گیرند. موارد دیگری درباره «تبدیل به کالا کردن» حقوق بشر را می‌توان در عکس‌العمل‌های سریع بازارهای مالی نسبت به حوادث «کوزوو» و «تیمور شرقی» یافت.

برای حفظ بی‌طرفی بایستی این حقیقت را پذیرا باشیم که سرمایه داری کازینویی فقط به «تبدیل کالا کردن» این ارزشها مبادرت نمی‌ورزد. او نیاز دارد که دموکراسی، حقوق بشر، امنیت و توسعه انسانی را برانگیزد و گسترش دهد تا ریسک کشورها را در کشورهای غیر دموکراتیک مختلفی که سرمایه‌داری کازینویی در آن‌ها جریان دارد، کاهش دهد. دلیل این که قانون‌گرایی جدید توسط دموکراسی‌های صنعتی تحت سلطه ایالات متحده حمایت می‌شود، نیز همین است، به طور کلی اشکال مختلف تروریسم، مهاجرت‌های غیرقانونی، و سایر عوامل اختلال نظم کازینویی، تحت کنترل شدید نظارت و [حتی] مجازات قرار می‌گیرند.

علی‌رغم این ظاهر غیر اخلاقی، سرمایه داری کازینویی که ارزش‌های اخلاقی را وسیله‌ای برای کاهش ترس و خطرات مربوط به خود قرار داده است، و از آنجایی که رقابت جهانی سفته بازی بر پایه اصول غیر اخلاقی بنا شده است، که در آن برنده شدن در قمار هر چیز را توجیه می‌کند، این نوع سرمایه داری، عاری از هرگونه علایق و بنیان‌های اخلاقی است.

برای نوع بشر ضروری است که نیروها و ارتش‌هایی فراهم آورد تا با کمک آنها در مقابل این پدیده تبدیل به کالا کردن اخلاقیات توسط سرمایه داری کازینویی مقاومت کند. در غیر این صورت، این تمدن جهانی غیر اخلاقی را که مبتنی بر ترس و طمع است بیشتر گسترش و تکامل خواهد بخشید، تولد و بروز اولیه این پدیده در بحران مالی آسیایی به وقوع پیوست.^(۶)

اینها ضرورت ایجاد یک نیروی جهانی متشکل از کلیه انرژی‌های اجتماعی را نشان می‌دهد که با نیروهای غیر اخلاقی و عناصر ضد اخلاقی و تضعیف‌کننده ارزش‌ها که پشتوانه اقتصاد

۶. در باره بحران مالی سال‌های ۱۹۹۷ به بعد در شرق آسیا، صاحب‌نظران دیدگاه‌های مختلفی از علل و ریشه‌های این بحران ارائه می‌دهند. یکی از تحلیل‌های قابل توجه همین حاکمیت غیر طبیعی و غیر متعارف فعالیت‌های سفته‌بازانه می‌باشد.

سرمایه‌داری هستند، مخالف، و معتقدند که باید ماهیت دموکراسی، حقوق بشر، امنیت انسانی، و تمامی ارزش‌هایی که مورد تهاجم قمار بازان بین‌المللی واقع شده‌اند، از نو تعریف شود. این جبهه مشترک بایستی بر پایه منافع مشترکی استوار گردند که تبدیل به کالا نشده‌اند، از بین نرفته‌اند و حذف نگشته‌اند، همچنین بایستی بر اساس ارزش‌های مشترک دموکراتیزه کردن، حقوق بشر، امنیت انسانی و توسعه انسانی، سازمان دهی شوند. چنین جبهه‌ای نیازمند آن است که اتحادیه‌های کارگری، و جنبش‌های مدنی دست در دست سایر جنبش‌ها و تحركات مردمی که از تمامی طبقات قربانی این سیل سرمایه‌داری کازینویی شده‌اند، بگذارند. همچنین حرکت زنان علیه ظلم‌های صورت گرفته نسبت به این طبقه و به طور کلی تحرک تبعیض ناروا بین زن و مرد، تحركات مربوط به فقرا، تحرک مربوط به مردمان بومی، جنبش‌های کارگران مهاجر، تحریکات خودجوش اخلاقی، جنبش‌های مربوط به اقلیت‌های مذهبی، و همچنین سایر جنبش‌ها و حرکت‌هایی که توسط مردمان حذف شده از امور، صورت می‌گیرد می‌توانند در این جبهه مشترک فعال و تأثیرگذار باشند.

مادامی که سرمایه‌داری کازینویی توسط نیروهای جهانی حمایت می‌شود، این جبهه مشترک و مخالف آن نیز بایستی به صورتی جهانی حفظ شود. این جبهه بایستی مبتنی بر راه‌حل‌های اخلاقی‌ای باشد که بتواند مسیر تاریخ را به سوی یک دنیای عادلانه‌تر و برابر تغییر دهد. به قول «گهدیجی» بایستی مفاهیمی چون حقوق بشر، امنیت انسانی و توسعه انسانی برای [در راستای منافع] آخرین کودکی که به این جهان پا می‌گذارد و به صورتی کاملاً واضح و غیر مبهم تفسیر شود و نه به نفع قمار بازان، توجیه و تأویل گردد که این ارزش‌ها را به صورت غیر قابل‌تحملی «بد و نامتناسب» جلوه می‌دهند.

البته برای مقابله با این سرمایه‌داری کازینویی که مبتنی بر انواع قمارها و بازی‌های نابخردانه و ناعادلانه است، ما نیز بایستی خود را برای نوعی قمار، نوعی بازی بخردانه و عادلانه آماده سازیم.^(۷)

اما این قمار یا بازی خاص مورد نظر ما، این گونه نیست که دیگران را کالا انگارد. ما بایستی

۷. اصولاً هر نوع بازی ماهیت منفی و قمار آلود ندارد. آن قمار و بازی منفی است که تنها مبتنی بر نفع شخصی بوده به تخریب نفع دیگران مبادرت می‌کند و دیگران را ابزار منافع خود قلمداد می‌نماید.

در راستای طراحی ساخت امکاناتی، از ابزار و قواعد بازی [چنان] استفاده کنیم که یک نظم جهانی بدیلی فراهم آوریم که زنان و مردان و طبیعت و پول، کالا پنداشته نشوند.^(۸)

مجموعه نیروها و گروه‌های اجتماعی مختلفی که در این حرکت جهانی علیه سرمایه داری کازینویی گرد آمده‌اند، شامل انواعی از گروه‌ها با علایق و تجربه‌های متفاوت هستند. هر کدام برای حصول به یک آینده بدیل مطلوب، تصور و دیدگاه خاصی دارند. البته جستجو برای به دست آوردن یک دیدگاه مشترک برای یافتن یک بدیل در مقابل سرمایه داری کازینویی «نئولیبرال» امر ساده‌ای نیست. تنها یک احساس اخلاقی قوی دربارهٔ بحران تاریخی جاری، که تحت حمایت شدید عقل سلیم، قرار گیرد، می‌تواند ما را قادر سازد که بر واگرایی‌های کوتاه مدت بین اتحادیه‌ها، سازمان‌های غیر دولتی، اقلیت‌های سازمان یافته و سازمان نیافته و امثال آن، فائق آییم.

تعریف کردن اهداف مربوط به این اعمال مشترک اولیه و فوری، آسان‌تر است. ما می‌خواهیم با ترس و طمعی مبارزه کنیم که به سرمایه داری کازینویی حیات تازه‌ای بخشیده است.

ما بایستی در مورد یک نقشه مشترکی توافق کنیم که به تدوین ساز و کارهایی مبادرت ورزد تا با «طمع» حاکم در سطوح ملی و منطقه‌ای و بین‌المللی مبارزه کند. این قبیل ساز و کارها بایستی محدودیت‌های مربوط به تحرک سرمایه، مالیات‌های مربوط به عایدات سفته بازی، قوانین خط دهنده بر فعالیت‌های بازاری و امثال آن را نیز در نظر بگیرد.

نقشه مشترک ما در مقابل «ترس» حاکم بر سرمایه داری کازینویی، سعی می‌کند که رسانه‌ها و وسایل ارتباطی تدارک نهد تا گزارش‌های طبقه بندی شدهٔ نامتناسبی که باعث امیدواری غیر واقع‌گرایانه و ایجاد ترس و رعب در بازارهای مالی و مجامع عمومی می‌گردد، را بی‌اثر سازد. ضروری است که نوعی اخلاق حسابگرانه و شفاف بین بخش‌های دولتی و تعاونی راه‌اندازی کنیم.^(۹)

۸ منظور این است که اگر پول کالا است و اگر طبیعت برای حفظ ارزش‌ها و کرامت انسانی باید وسیله فرار گیرد، خود انسان‌ها به صورت کالا در نیابند.

۹ ملاحظه می‌شود که در بازی مورد نظر پرفسور مرشاکوچی، دولت کارآمد می‌تواند در مبارزه با نابسامانی‌ها

به طور ویژه این امر اهمیت دارد که ترس حاکم بر اکثریت نوع بشر، که به عنوان یک عنصر چانه‌زنی به کار می‌رود را کاهش دهیم، این ترس و احساس عدم امنیت ناشی از آن، باعث بسیاری از درگیری‌های نظامی بوده، و نابسامانی‌ها و نوسانات مربوط به بازارهای مالی را تشدید نموده است.

ادعا و قول دولت‌هایی که خود خوش آمدگویی سرمایه داری کازینویی اند برای کاربرد قدرت در جهت حفظ امنیت انسانی یک تهدید اضافی نسبت به امنیت انسانی است. تا زمانی که این اعمال قدرت توسط دولت‌های خوش آمدگو که تحت سیطره ترس و طمع قرار دارند، اعمال می‌گردد و تا زمانی که آنها قادر به درک منشأ و منبع امنیت حقیقی شهروندان خود نمی‌باشند، این تهدید جدی است.^(۱۰)

این دولت‌ها از طریق اعمال شدید زور و کنترل و مجازات با هر نوع تنش در برابر نظم جهانی [مورد توجه سرمایه داری کازینویی] مقابله می‌کنند. این نگرش به امنیت انسانی که تنها توجیه وجود دولت‌ها [از نوع حامیان و خوش آمدگویان به فرهنگ کازینویی] می‌باشد، می‌رود تا در واقع امنیت کازینویی را تأمین نماید، در عین حال اینها برای مردمان و دولت‌هایی که در جرگه سرمایه داری کازینویی قرار ندارند، ضد امنیت محسوب می‌شوند؛ دولت‌های مقابل فرهنگ کازینویی در لیست سمیها دولت‌های کازینویی و به عنوان شورش گران بالقوه تلقی می‌شوند.

لذا یک راه دیگر برای تضمین امنیت مردم (بویژه آنها که نسبت به آثار نظام اقتصادی کازینویی آسیب پذیرند) بایستی مورد حمایت قرار گیرد، و از سوی تمامی نیروهای اجتماعی حمایت شود که در جنبش جهانی ضد کازینویی قرار دارند. به همین خاطر است که برای مقابله با نیروهای نظامی و پلیسی دولت‌های خوش آمدگو لازم است بدیل‌های انقلابی در قالب نقشه مورد نظر جنبش‌های ضد کازینویی، تدارک دیده شود.

→ و کارآمد ساختن بخش‌های تعاونی و جنبش‌های مردمی نقش اساسی به عهده داشته باشد.

۱۰. مؤلف محترم دو گونه دولت را مورد تأکید و توجه قرار می‌دهد. یکی را تحت عنوان «دولت خوش آمدگو» بیان می‌کند و دیگری دولت کارآمد و مردمی [دولت رفاه] وی به دولت خوش آمدگو حمله می‌کند و آن را حامی و جاده صاف کن حرکت جهانی فرهنگ کازینویی معرفی می‌نماید.

برنامه‌ریزی مشترک [ضد کازینویی] بایستی مبتنی بر یک مجموعه اصول مورد توافق اخلاقی باشد. مناسب است ما این مقاله را با ارائه تعریف دقیق‌تری از منظورمان از «اخلاق» به پایان می‌رسانیم. ما به این عبارت [اخلاقی] مفهوم «کنفرسیوسی» برداشت‌های اخلاقی «آسمانی» نمی‌دهیم. بلکه عبارت مورد نظر را در مفادی به کار می‌بریم که خود نظام سرمایه داری در ابتدا دارا بوده است. قبلاً مفاد «حمایت و نوع دوستی» در این نظام وجود داشته و حالا که به مرحله کازینویی رسیده این مفهوم را از دست داده است.^(۱۱)

دولت‌هایی که کارآمد و مفید تلقی می‌شوند وجود داشته‌اند که قبلاً بر مبنای مفاد اخلاقی حرکت می‌کردند و با هدف «دولت رفاه» و دولت اجتماعی به فعالیت می‌پرداخته‌اند. اما زمانی که این دولت‌ها به دولت‌هایی از نوع «خوش آمدگو» [به فرهنگ کازینویی] تبدیل شده‌اند، آن خصائص و مفاد اخلاقی را از دست داده‌اند.

حالا وقت آن است که جنبش‌های اجتماعی قدیمی، مانند اتحادیه‌های تجاری، جنبش‌های جدید اجتماعی، تحرکات مربوط به جوامع مدنی، و جنبش‌های اجتماعی نو ظهوری که طبقات مختلفی را می‌پوشانند، و تمامی آنها تحت استثمار سرمایه داری کازینویی بوده‌اند و از تمامی منافع جهان سرمایه داری محروم بوده‌اند - این واقعیت را دریابند که آن‌ها تنها امید نوع بشرند که می‌توانند بخشی از توافق‌ها و الزام‌های اخلاقی را احیا نمایند. البته نه از سوی لفاظی دموکراسی و حقوق بشر ظاهری که بازی‌هایی را پوشش می‌دهد و در حمایت از سرمایه‌داری کازینویی عمل می‌کند، بلکه از نوع الزامات درونی و واقعی‌ای که مرتبط با امنیت حقوق و تکامل و توسعه تمامی مردمان جهان باشد، به ویژه در راستای تضمین حقوق‌آنها باشد که به صورت طعمه‌های کالایی شده سرمایه‌داری کازینویی مورد استفاده قرار گرفته‌اند.

این گونه استلزام‌های اخلاقی می‌تواند به صورت کمربند اتصال دهنده جنبش‌های مختلف عمل کند و آنها را در راستای این واقعیت که با هم تشکیل یک اردوگاه مشترک بدهند، متحول سازد. این جبهه اخلاقی مشترک در حال حاضر در حال تضییع و شکل‌گیری در سراسر جهان است. نهضت «فقرا» از تایلند تا برزیل در حال جلب حمایت وسیع طبقات کارگری و روشنفکری است. مجامع دادخواهی مردمی، مکان‌هایی را ترتیب می‌دهند که دغدغه‌های اخلاقی مشترک

۱۱. آدم اسمیت و حتی ماندویل و استوارت میل و برخی از فیوزیکرات‌ها که از پایه‌گذاران نظام سرمایه داری نیز محسوب می‌شوند، دم از ارزش‌های اخلاقی و نوع دوستی و حمایت از ضعفا و انزال آن می‌زنند.

گروه‌های ذی نفع گوناگون مورد بحث واقع می‌شود. جنبش‌های بین‌المللی نظیر CCC (نهضت پارچه سفیدان)^(۱۲) در حال طراحی کدهایی از هماهنگی گروه‌ها هستند، تا به بخش‌های تعارنی و مشارکتی بین‌المللی نوعی نظم و سامان دهی بخشند.

به طور خلاصه سرمایه‌داری کازینویی یک پاسخگویی اخلاقی انقلابی از سوی تمامی انسان‌های علاقه‌مند با دغدغه و در سراسر جهان را طلب می‌کند. برای پاسخ دادن به آثار ضد اخلاقی‌اش نیاز دارد که یک نهضت احیاگر اخلاق سازمان دهی شود. جنبش جهانی و نهضت مورد نظر باید علیه فعالیت‌های سرمایه‌داری کازینویی به ساختن یک سلسله مجامع دادخواهی مردمی میادرت ورزد. بایستی ارائه نظام‌های بدیلی توسط انسانهای استثمار شده و کنار گذاشته شده هدف تحرک‌ها و جنبش‌ها در میدان‌های مبارزه و گفت و شنود، واقع شود. باید پاسخی انقلابی به سرمایه‌داری کازینویی داده شود. انقلابی به این معنا که به عمق و ریشه‌های نظم جهان کازینویی رسوخ کند و بیانگر دیدگاه تمامی مردان و زنانی باشد که در سراسر جهان علیه سرمایه‌داری کازینویی بسیج شده و طلب عدالت می‌نمایند.^{*}

12. Clean Cloth Campaign.

*. در پایان چند نکته را مورد تأکید قرار می‌دهیم:

- ۱- این که بحث سرمایه‌داری کازینویی از سوی یک مضکر برجسته از جهان سرمایه‌داری به این صورت تحلیل و تفسیح می‌گردد، بسیار قابل تأمل است.
- ۲- باید توجه داشت که حمله به نظام سرمایه‌داری کازینویی لزوماً به معنای حمله به تمامی قرائت‌های سرمایه‌داری نمی‌باشد؛ زیرا قرائت‌های متعادل‌تری از سرمایه‌داری (مثل آنچه در آلمان، فرانسه، حتی ژاپن و کره جنوبی جریان دارد) موجود است که مفاسد نوع «کازینویی» را ندارند.
- ۳- این مقاله هشدار می‌دهد که برای کشورهای جهان سوم که بدون مطالعه کافی و کسب آمادگی‌های لازم شیفته ورود به جرگه نظم جهانی و سرمایه‌داری جهانی هستند.
- ۴- دنیای سفته بازی و قمارهای مالی در حال رشد شدیدی است و صاحب‌نظران و تولیدگرایان و اقتصاد دانان که طرفدار فعالیت سالم و مولد اقتصادی‌اند باید توجه بیشتری بنمایند.
- ۵- اقتصاد اسلامی با مبارزه شدید با سفته بازی و حرام دانستن این فعالیت می‌تواند قدم بالقوه مؤثری در غنی‌ساختن ادبیات «ضد کازینویی» بردارد.